

## Women in astronomy cooperative card game (Persian Terminology)

**مانگ (Moon) :** ماه، برای دو مفهوم دگرسان و متفاوت ولی در پیوند با همدیگر بکار می رود: ماه بخشی از سال و ماه گویی در آسمان که به دور زمین می چرخد. یک دشواری دیگر در زبان فارسی کنونی آن بوده که زابه (صفت) "ماهی" نه تنها به معنای "ماه" و "ماهانه" است، بلکه جاندار "ماهی" که در آب میزید را نیز نشان می دهد. برای پرسونش (دقیق بودن)، در ترازبانیکی یا ترجمه ی "بازی بانوان اخترشناس"، مانگ برای "گوی ماه" بکار برده شده است. واژه ی "مانگ" برای گوی ماه در ادب و زبان فارسی وجود دارد.

**گرفت (Eclipse) :** در حالت کلی، فروپوشانی نور یا گذر سایه ی یک جسم آسمانی بر روی جسم دیگر، "فروپوشانش" خوانده می شود. گرفت گونه ای ویژه از فروپوشانش در اخترشناسی بوده که برای خورشید و مانگ بکار می رود.

**مانگرفت (Lunar Eclipse) :** مانگرفت، تاریخش مانگ زمانی روی دهد که مانگ وارد سایه ی زمین می شود. این پدیده تنها زمانی رخ دهد که پُرمانگ (ماه بدر) در نزدیکی یکی از گره های مانگ در مدار خود به دور زمین باشد. اگر همه ی مانگ وارد سایه شود، یک گرفت همگ (گرفتگی کامل) وجود خواهد داشت، در غیر این صورت، گرفتگی پاری (جزئی) خواهد بود؛ زمانی که مانگ از در هُودر (شمال) یا دُشتر (جنوب) گره گذرد و به طور کامل از سایه نگذرد.

**چرخه ی مثنی (Metonic Cycle) :** فاصله زمانی ۲۳۵ مهباند یا پیرامون ۱۹ سال های هورگردی ( $235 = 19 \times 12 + 7$ ) به درازا می کشد و پس از آن مانگ در همان روزهای سال بازآید. به نام مثن از آتن، مزداهیکان، اخترشناس، زمین سنج و آندرژان (مهندس) که از آن در سال ۴۳۲ پیش از میلاد بکاربرد، خوانده شده است. ولی این چرخه را بابلیان پیرامون ۵۰۰ سال پیش از میلاد و چینیان پیرامون ۶۰۰ سال پیش از میلاد شناخته شده بود.

**مهاند (Lunation) :** فاصله یک چرخه کامل مانگ، بین یک نومانگ و نومانگ پسین بوده، که پیرامون ۲۹ روز، ۱۲ ساعت و ۴۴ دقیقه و ۲.۸ ثانیه است. یا برابر با ۲۹.۵۳۰۶ روز زمینی.

**نوپلاتونگری و نوپلاتونمند (Neoplatonism and Neoplatonist) :** پلاتینیوس (۲۰۴ یا ۲۰۵ تا ۲۷۰ دوران همدار-د.ه. — که "میلادی" نیز خوانه می شود)، به عنوان بنیانگذار روش نوپلاتونگری شناخته می شود. او یکی از تاثیرگذارترین فیلسوفان دوران باستان پس از پلاتو (افلاطون) و ارسطو است. واژه ی "نوپلاتونگری" پراوش (اختراع) سالهای نخستین سده ی نوزدهم دانشدیی اروپا بوده و نماینده ی درکیش (تمایل) نیرومند دیرینشناسان برای بخشبندی "دوره ها" در تاریخ است. این واژه چنان در نگر آمده تا نشان دهد که پلوتینوس گام نوینی را در گسترش تراداد یا سنت پلاتو (افلاطون) آغاز نموده است.

**اخترشناسی (Astronomy) :** دانش نپاهش و بررسی میاوش (حرکت) ستارگان و دیگر جرم های آسمانی، دانش اخترشناسی نام دارد. واژه ی متداول دیگر "نجوم" در زبان تازی یا عربی به چمار (معنی) ستارگان بوده، نه دانش بررسی جرم های آسمانی.

در تاریخ اخترشناسی ایران و خاورمیانه، واژه هایی چون "العلم الهینت"، "العلم الکائنات"، "العلم النجوم"، "العلم الکواکب"، العلم الفلک"، "العلم الافلاک" بسیار بکار می رفتند. امروزه با پیدایش و شناسایی اجرام بی شماری از ناختران (غیر ستارگان) چون اپاختران (سیارات) استرخورشیدی، اپاخترکان (سیارک ها)، مانگ (ماه زمین)، مونغ ها (ماه سیارات)، ماهواره ها، دُمدارها یا دنباله دارها، گازها، هاگردها (غبارها)، خوشه های باز یا گویسان ستارگان، میغ ها (سحابی ها)، اختروارها (کوازارها)، تپارها، مگنتارها، سبه چالها، کهکشانها، مونغ کهکشانها، خوشه های کهکشان و بسیاری دیگر کاربرد واژه ی "ستاره شناسی" نیز برای این دانش بی راین (دلیل) و ناپرسون (غیر دقیق) می گردد.

واژه ی "اختر" که ریشه ی واژه های پارسی یا کلدانی "ایستر"، "ستاره" و "استار" انگلیسی نیز بوده، و اخترشناسی به هر آنچه در آسمان نپاهیده گردد، خوانده می شود و کاربرد همگ (جامع) آن را بی همانند می سازد. و ستاره شناسی تنها بخشی از اخترشناسی در بررسی ویژگیها و واگشت (تحول) ستارگان گوناگون می باشد. همچنین اپاخترشناسی، کیهان شناسی، کهکشان شناسی و دیگر دانشهای میانی از اجرام گوناگون را در بر دارد.

**اپاختر (Planet) :** واژه ی اپاختر از پیشوند اپ یا اپا (دور از) و اختر (دبسه ی ستاره). بنابر تعریف نوین انجمن جهانی اخترشناسی چنین است:

## Women in astronomy cooperative card game (Persian Terminology)

جسم آسمانی که سه شرط زیر را داشته باشد: (ا) در مدار خورشید است، (ب) جرم کافی برای خودگرانش و غلبه بر نیروهای جسم سخت چنان شود که آن را در تعادل هیدرواستاتیک (تقریباً گرد) شکل درآورد، و (ب) ناحیه ی پیرامون مدار خود را از جرمهای بزرگ دیگر بزداید.

**نپاهشگاه (Observatory):** جایگاه یا ساختمان دارای ابزارهای گوناگون برای نپاهشهای اخترشناسی، هواشناسی یا دیگر پدیده های زاستاری (طبیعی)، به ویژه جایگاهی که با دست کم یک تلسکوپ برای نپاهش اجسام اخترشناسی آماده شده است.

**استرلاب یا ستاره یاب (Astrolabe):** ابزار باستانی برای حل مسائل مربوط به زمان و جایگاه خورشید و ستارگان در آسمان است. کاربردهای زیادی چون زمانسنجی در طول روز یا شب، یافتن زمان برآمد (طلوع) و فروشد (غروب) خورشید و در نتیجه محاسبه ی طول روز و یافتن اجرام آسمانی در شبانگاهان.

**هورلک (Sunspot):** منطقه ای که به عنوان یک لکه تاریک در سطح خورشید دیده می شود. هورلک ها تیره به نظر آمده چون خنک تر (پیرامون ۴۰۰۰ سلسیوس) از پیرامونشان در شیدسپهر یا فوتوسفر (پیرامون ۶۰۰۰ سلسیوس) هستند.

**هوربلیک (Sunburst):** هوربلیک ها به گسیل ناگهانی انرژی از جو خورشید نامیده می شوند.

**هورتاج (Corona):** بیرونی ترین هواسپهر یا اتمسفر خورشید بلافاصله بالای فامسپهر (کروموسفر) که در طول یک خورگرفتگی هماک (کامل) دیده می شود. این شامل گاز داغ و گاز بسیار ضعیف بوده که میلیون ها کیلومتر از رویه ی خورشید گسترش می یابد.